

پاسخ به شبهات دوران خلافت امام حسن(ع)

یک کارشناس تاریخ اسلام با اشاره به اینکه قیس بن سعد خدمت امام حسن(ع) رسید و عرض کرد ما به شرطی با شما بیعت می‌کنیم که با ستمگران جهاد کنید و امام فرمودند من هیچ شرطی را نمی‌پذیرم جز کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)، گفت: این موضوع را برخی مستمسک قرار دادند که امام(ع) از اول میل جهاد با ستمگران را نداشته است.

پاسخ به شبهات دوران خلافت امام حسن(ع) // امام با شرط بیعت نکرد

یک کارشناس تاریخ اسلام با اشاره به اینکه قیس بن سعد خدمت امام حسن(ع) رسید و عرض کرد ما به شرطی با شما بیعت می‌کنیم که با ستمگران جهاد کنید و امام فرمودند من هیچ شرطی را نمی‌پذیرم جز کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)، گفت: این موضوع را برخی مستمسک قرار دادند که امام(ع) از اول میل جهاد با ستمگران را نداشته است.

حجت الاسلام والمسلمین علی امینی، پژوهشگر تاریخ و استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد فضائل امام حسن مجتبی(ع) گفت: نکته اول این است که رسول خدا(ص) علاقه بسیار زیادی به امام حسن مجتبی و برادر ایشان امام حسین(ع) داشتند؛ علاقه‌ای که فراتر از علاقه پدر یا پدربزرگ به فرزندان است و این علاقه به نوعی بیان رسالتی از طرف رسول خدا بود که مقام و موقعیت این دو امام را به نسل حاضر زمان خودشان و نسل‌های بعدی برسانند. مثلاً کارهایی که رسول خدا در مواجهه با امام حسن و امام حسین انجام می‌دادند کارهای در ظاهر طبیعی و شرایط عادی نیست که کسانی با فرزندان و یا نوه‌های خود چنین برخوردی را داشته باشند.

وی افزود: نکته دوم از فضائل امام حسن مجتبی، مسأله حضور حضرت در موضوع مباحله است. داستان مباحله مسیحیان نجران با رسول خدا(ص) را حتماً مستحضر هستید که آیه قرآن در شأن اصحاب کساء نازل شده است. امام حسن مجتبی(ع) یکی از این پنج تن است. نکته سوم روایتی است از رسول خدت که حضرت می‌فرماید: «لوکان العقل رجل لکان الحسن» یعنی اگر قرار باشد عقل در قالب یک انسانی و جسمی خود را نشان دهد به صورت حسن می‌بود. این نهایت هوشیاری و زیرکی امام حسن مجتبی و بینش سیاسی و الهی آن حضرت است که در این حدیث رسول خدا جلوه کرده است.

این محقق در پاسخ به این سؤال که چرا امام حسن به کریم اهل بیت(ع) مشهور شدند اظهار داشت: از دیگر فضائل امام حسن مجتبی(ع) پناهگاه بودن برای محرومان و مستضعفان است. اهل بیت(ع) همه این گونه بودند، اما این مسأله در زمان امام حسن مجتبی قدری برجسته‌تر است و امام حسن مجتبی کمک‌های مستقیم و غیر مستقیمی به مردم زمان خودشان و پابرهنگان و مستضعفان داشتند. در تاریخ آمده که حضرت دو بار همه اموال خود را در راه خدا میان نیازمندان توزیع و سه بار اموال خود را با فقرا تقسیم کرد. این صفت جود و سخاوت امام حسن مجتبی و پناهگاه بودن آن حضرت برای محرومان و مستضعفان یکی دیگر از ویژگی‌های امام حسن مجتبی و از فضائل آن حضرت به شمار می‌رود.

امینی در پاسخ به این شبهه که امام حسن پس از شهادت امام علی(ع) داعیه خلافت نداشت، گفت: برخی‌ها در برخی از منابع تاریخی مطرح کردند که از ابتدا امام حسن علاقه‌ای به خلافت نداشت و منتظر فرصتی بود که خلافت را به معاویه واگذار کند؛ این تهمت به آن حضرت است. امام حسن، امام معصوم و از طرف خداوند به این مقام انتخاب شده است و به تصریح رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و در انجام وظیفه امامت حضرت ذره‌ای مماشات با کسی نداشتند و کوتاه نمی‌آیند و شرایط سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای رقم خورد که امام راهی جز پذیرش صلح نداشتند. امام حسن اگر مایل نبودند این اقدامات را انجام نمی‌دادند؛ مثلاً وقتی که امیرالمؤمنین به شهادت رسید فردای آن روز امام حسن در اجتماع مردم حضور پیدا می‌کنند و سخنرانی کامل و قراح‌ی در جمع مردم انجام می‌دهند.

وی افزود: ایشان می‌فرمایند که هر کس مرا نمی‌شناسد من حسن، فرزند محمد رسول‌الله(ص) هستم؛ اینکه امام حسن مستقیم خود را به پیغمبر منتسب و از مردم دعوت می‌کنند که باید از ما اطاعت کنند نشان از چه دارد؟! ایشان می‌فرمایند ما یکی از تقلین هستیم؛ از ما اطاعت کنید. اولی الامر ما هستیم. حضرت آیه تطهیر را می‌خوانند و خودشان را مصداق آیه تطهیر معرفی می‌کنند. اگر کسی مایل به حکومت نباشد این گونه خود را در مقابل چنین جمعی معرفی و عرضه و مردم را به تبعیت از خودشان دعوت نمی‌کند!

این کارشناس تاریخ اسلام در ادامه سخنانش تأکید کرد: موضوع دیگر از سوی برخی از مخالفان مورد انتقاد هم واقع شده و آن این است که قیس بن سعد خدمت حضرت رسید و خدمت ایشان عرض کرد که ما به شرطی با شما بیعت می‌کنیم که با ستمگران جهاد کنید یعنی بیعت به شرط با جهاد با ستمگران. امام(ع) فرمود که من هیچ شرطی را نمی‌پذیرم جز کتاب خدا و سنت پیامبر(ص). این موضوع را برخی مستمسک قرار دادند که امام(ع) از اول میل جهاد با ستمگران را نداشته است. این مسأله را نباید این گونه تلقی کرد اگر امام بخواهد برای بیعت و امامت کردنش شرط و شروطی را از سوی افراد مختلف بپذیرد که امکان‌پذیر نیست. امام این شرط را

نپذیرفتند تا برای امامت جامعه دستشان باز باشد. امام و رهبر باید طبق تشخیص خودشان عمل کنند اگر قرار باشد دیگران با شرط و شروط بیعت کنند در حقیقت آنها با شرطشان بیعت کردند نه با رهبر و امام.

وی تصریح کرد: امام برای حفظ حوزه اقتدار رهبری باید شرطی را نپذیرد اگر قرار است که ایشان امام باشد و مردم از او تبعیت کنند که مردم نباید برای ایشان شرط تعیین کنند. در این صورت امامت امام مقید به دهها شرط و قیود می‌شود. طبیعتاً امام در مسأله امامت دستش باز نخواهد بود. بنابراین امام برای اینکه وظیفه امامت خود را انجام بدهد همیشه که وظیفه امام جنگیدن نیست گاهی وقت‌ها ممکن است صلح انجام شود زمانی هم کارهای دیگر. دست رهبر برای انجام امور باید باز باشد. بنابراین امام این شرط را نپذیرفتند و گفتند که من فقط با شرط کتاب خدا و سنت پیغمبر(ص) بیعت می‌کنم.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اذعان کرد: نکته دیگر این است که وقتی مردم با امام حسن(ع) بیعت کردند نامه مقتدرانه‌ای به معاویه می‌نویسند اگر امام در مقام این بود که با معاویه صلح کند و میلی به خلافت نداشت این گونه عمل نمی‌کرد. امام نامه‌ای به معاویه می‌نویسند و از خلفای قبلی انتقاد شدید می‌کنند و به معاویه می‌نویسند که اکنون شما باید با من بیعت کنید. این نشان‌دهنده این است که امام در پذیرش مسأله خلافت و امامت جدی است. آنجا که اختلافات میان معاویه و امیرالمؤمنین(ع) از قبل مطرح بود و این اختلاف‌ها به امام حسن مجتبی(ع) رسید طبیعی است که کماکان ادامه پیدا کند و معاویه از پذیرش بیعت با امام حسن مجتبی(ع) تمرد می‌کند و به جای اینکه بیعت کند جاسوسانی را به کوفه و بصره فرستاد که شناسایی شدند و امام حکم اعدامشان را صادر کرد. آیا اقدامات این گونه علامت کنار آمدن با معاویه است؟! قطعاً این گونه نیست و علامت مقابله جدی است.

وی یادآور شد: یا در یکی از نامه‌ها امام حسن مجتبی به معاویه می‌نویسد حال که شما بیعت نمی‌کنید میان ما جز شمشیر حاکم نخواهد بود. این گونه برخوردهای شدید نشان‌دهنده این است که اگر مردم یاری می‌کردند قطعاً ایشان در نبرد با معاویه ذره‌ای کوتاه نمی‌آمدند. معاویه خبر شهادت امام علی(ع) را به مناطق مختلف فرستاد و حامیان خود را برای نبرد با کوفه و عراق و جنگ با امام حسن مجتبی فراخواند. حضرت وقتی این خبر را دریافت کردند، کوفیان را دعوت به مبارزه با شامیان و معاویه کردند. اما مشکلی که در کوفه و عراق وجود دارد کار را برای امام حسن(ع) سخت کرد.

امینی در پایان سخنانش تصریح کرد: مردم با انگیزه‌های مختلف با امام حسن بیعت کردند اما چند مشکل دارند؛ اول اینکه با ماجرای حکمیت در جنگ صفین به نوعی روحیه مردم کوفه دچار لطمه شده بود و روحیه خود را از دست داده بودند. بنابراین عده‌ای این گونه ضعیف شده بودند و روحیه جنگیدن نداشتند. عده‌ای از کوفیان هم به دلیل تبلیغات معاویه دچار شک و تردید بودند اما امام(ع) تدابیری را برای تقویت روحیه و تهییج سپاه اندیشیدند و سپاه را به فرماندهی عبيدالله بن عباس روانه کردند. در منطقه‌ای که دو سپاه روبروی همدیگر قرار گرفتند با تبلیغات و فریب معاویه، عبيدالله بن عباس با دو سوم سپاه یعنی حدود هشت هزار نفر به معاویه می‌پیوندد و این لطمه جبران‌ناپذیری به سپاه حضرت بود. معاویه جاسوسانی را به درون سپاه امام حسن(ع) گسیل می‌کند که اینها شایعه می‌کنند که امام حسن(ع) صلح کرده و این بیشتر به روحیه مردم لطمه می‌زند. وقتی که امام به سپاه می‌پیوندد مذاکراتی میان دو سپاه انجام می‌شود. اما چون صداقتی در کار شامیان نبود مذاکره بی نتیجه بود. به دنبال آن معاویه با جنگ روانی مردم را بر علیه امام حسن مجتبی(ع) تحریک کرد و خوارج به امام(ع) حمله کردند که ایشان مجروح شدند و مردم خواهان صلح شده و از جنگ کناره گرفتند و امام راهی جز پذیرش صلح نداشت.